

یادداشت

آنتروپی در سایه جنگ

تأملی بر شکاف انتظارات و تورم



محسن راجی اسدآبادی

پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی و مدرس دانشگاه

در بحران‌های طولانی جوامع در حال توسعه، نگاه‌ها اغلب به تهدیدات خارجی و مذاکرات فرسایشی یا قدرت‌های بزرگ دوخته می‌شود، اما آنچه در لایه‌های پنهان رخ می‌دهد، شاید مهلک‌تر باشد. داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد خسارات اقتصادی مستقیم منازعات در سال ۲۰۲۴ میلادی به حدود ۲۰ تریلیون دلار، معادل ۱۱.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی رسیده است. با این حال، پدیده‌ای ظریف‌تر و ویرانگرتر در جریان است به نام آنتروپی نهادی. این مفهوم بدان معناست که فروپاشی تدریجی انسجام اجتماعی نه بر اثر بمباران دشمن، که ناشی از شکاف فزاینده میان انتظارات عمومی و واقعیت‌های اجرایی و مهم‌تر از آن، کناررفتن خیرعمومی از محاسبات راهبردی نخبگان است. برای فهم این وضعیت، باید از پرسشی بنیادین در اقتصاد سیاسی آغاز کرد: چرا دولت‌ها (State) که باید تأمین‌کننده منافع ملی باشند، گاه تصمیماتی می‌گیرند که گویی منافع (گروه فکری) خویش را در تقابل با منافع جامعه می‌بینند؟ پاسخ را باید در غلبه عقلانیت ابزاری و ظهور پدیده عقلانیت انحصاری جست‌وجو کرد. در شرایط جنگی، نخبگان سیاسی ممکن است در دام عقلانیت بیفکند، وضعیتی که در آن تمرکز بر ثبات آنی، اولویت‌های معطوف به مصالح بلندمدت و خیرعمومی را تحت‌الشعاع قرار دهد. شناخت این تله، نخستین گام برای عبور از آن و بازتنظیم رابطه دولت و ملت بر محور منافع ملی پایدار است. صندوق بین‌المللی پول در گزارش آوریل ۲۰۲۶ تصریح می‌کند در کشورهای صحنه نبرد، تولید اقتصادی به طور متوسط سه درصد در همان ابتدای درگیری کاهش می‌یابد و طی پنج سال به زیان انباشته‌ای در حدود هفت درصد می‌رسد، اما زخم‌های اقتصادی حتی یک دهه پس از پایان جنگ نیز باقی می‌مانند. نکته تأمل‌برانگیز آن است که در بسیاری موارد، لطمات سیاست‌های اقتصادی نادرست داخلی، از خسارات مستقیم جنگ فراتر رفته است.

این فرسایش در دو سطح رخ می‌دهد: شکاف انتظارات و تله آنتروپی. شکاف انتظارات زمانی عمیق می‌شود که نظام اجرایی نتواند میان توانمندی‌های اعلام‌شده و توان واقعی در اداره معیشت مردم تناسبی ایجاد کند. در اینجا اولویت‌دهی کامل به امنیت سخت، منابع مالی کشور را می‌بلعد و بحران اصلی از آنجا آغاز می‌شود که در عرصه سیاست خارجی، تنش‌زدایی صورت نمی‌گیرد، منافع مشترک با قدرت‌های جهانی تعریف نمی‌شود و توازن راهبردی به عنوان اصلی برای کاهش فشارهای بیرونی به کار گرفته نمی‌شود. سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۲۵ هشدار داده کشورهای جنوب صحرا آفریقا برای دستیابی به اهداف توسعه‌ انسانی نیازمند ۷۰ میلیارد دلار سالانه هستند، در حالی که به دلیل منازعات منطقه‌ای و نبود تعاملات سازنده بین‌المللی، این منابع هرگز بسیج نمی‌شود.

وقتی نظام حکمرانی، توان تأمین امنیت اقتصادی را نداشته باشد اما همچنان از تعریف منافع مشترک با جهان خودداری کند، شکاف عمیقی میان انتظارات مردم و آنچه ارائه می‌شود پدید می‌آید و در همین بستر، تله آنتروپی فعال می‌شود. هر نظام حکمرانی برای حفظ انسجام خود نیازمند جریان آزاد اطلاعات و ارزیابی مستقل از عملکردهاست. اما در شرایط سلطه عقلانیت، مرزهای اطلاعاتی بسته، نقد، تهدید امنیتی تلقی و شفافیت قربانی می‌شود. بانک جهانی در گزارش ژوئن ۲۰۲۵ با بررسی ۳۹ اقتصاد شکننده نشان می‌دهد درگیری‌های با شدت بالا، تولید ناخالص داخلی سرانه را ۲۰ درصد در عرض پنج سال کاهش می‌دهد و فقط یک درصد افزایش در تلفات ناشی از درگیری به ازای هر میلیون نفر جمعیت، منجر به کاهش ۳.۷ درصدی در تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود. همچنین حدود ۴۰ درصد از جمعیت این کشورها در فقر شدید زندگی می‌کنند و بیش‌نیمی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ میزان ۶۰ درصد از فقیرترین مردم جهان باشند.

نتیجه این فرایند، تهی‌شدن تدریجی نظام حکمرانی از درون و افزایش شکاف میان دولت و ملت است. هزینه تصمیماتی که در سایه جنگ گرفته می‌شود، از خود جنگ ویران‌گتر می‌شود. یک حمله هوایی شاید زیرساختی را تخریب کند، اما سیاست‌های اقتصادی نادرست، کل یک طبقه اجتماعی را به زیر خنجر فقر می‌برد. بر اساس گزارش بانک جهانی، امید به زندگی در کشورهای بحران‌زده به طور متوسط پنج تا هفت سال کمتر از سایر اقتصادهای در حال توسعه است و حدود ۲۰۰ میلیون نفر با ناامنی غذایی مواجه هستند و همچنین حدود ۷۰ درصد از این اقتصادها، در معرض خطر بالای بحران بدهی قرار دارند.

تجربه کشورهایی که بازسازی پس از جنگ را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند (از رواندا تا بوسنی)، نشان می‌دهد نخستین گام در مسیر بازسازی، نه تأمین منابع مالی، که بازتعریف رابطه دولت و ملت از طریق احیای اعتماد عمومی بوده است. از منظر نظریه بازی‌ها، این وضعیت حاصل یک «بازی مجموع صفر نهاده» است که نخبگان حاکم با ملت خود آغاز کرده‌اند. آنها می‌اندیشند با سرکوب نقد و کنترل بازار، می‌توان بازی را به نفع خود پایان دهند، اما این یک تله تصمیم‌گیری معیوب است و در بازی‌های تکرارشونده، اعتماد و همکاری میان دولت و ملت، تنها مسیر تعادل پایدار است. صندوق بین‌المللی پول هشدار می‌دهد افزایش تنش خارجی بدون تعریف توازن راهبردی، در میان مدت آسیب‌پذیری‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و جامعه‌های که سرمایه اجتماعی خود را از دست داده باشند، در برابر شوک‌های خارجی تاب‌آوری کمتری خواهد داشت.

برای برون‌رفت از این وضعیت، چرخشی بنیادین به سوی خیرعمومی ضرورت است. نخبگان باید بپذیرند امنیت ملی صرفاً با قدرت سخت تأمین نمی‌شود، بلکه نیازمند تنش‌زدایی هوشمندانه و تعریف منافع مشترک با جهان است. ترمیم شکاف انتظارات، مستلزم بازتعریف اولویت‌ها از امنیت سخت صرف به امنیت پایدار است و گریز از تله آنتروپی نیز فقط با گشودن مرزهای اطلاعاتی و پذیرش ارزیابی‌های مستقل ممکن می‌شود. تاریخ جوامع در حال توسعه نشان داده قدرت‌هایی که نتوانسته‌اند میان بقای خود، مصلحت عمومی و تعامل سازنده با جهان تعادل ایجاد کنند، حتی اگر از جنگ‌های خارجی سربلند بیرون آمده باشند، در نهایت در منازعات داخلی با نارسایی‌های عمومی روبه‌رو شده‌اند و شکست خورده‌اند. ضرورت بازگشت به خیر عمومی، تنش‌زدایی و سلامت خرد، نه یک انتخاب تشریفاتی، که یک ضرورت راهبردی برای بقاست و جامعه‌ای که در آن اعتماد در تمامی ارکان آن نباشد، حتی بیروزی در میدان جنگ را شکستی خاموش در داخل برای خود حساب خواهد کرد.



زهرا عبادی و مهرداد



پسر: سعید موسوی

بازماندگان حملات خرداد ۱۴۰۴ در گفت‌وگوبا «شرق» از یک سال زندگی بافقدان، دلتنگی و رنج می‌گویند

سالگرد نبودن

داده‌اند. اما مشککش همچنان با صاحبخانه است. او مبلغ ودیعه خانه را که یک میلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان بود، از شهرداری گرفته و موعد بازگرداندن همین روزهاست اما صاحبخانه پول را ندهد و او مجبور شده یک سال دیگر از شهرداری مهلت بگیرد. هنوز دادگاه می‌رود تا پول را از صاحبخانه پس بگیرد و هر بار ناامیدتر برمی‌گردد. خانواده‌اش را شهید اعلام کرده‌اند؛ هر چند پروسه احراز هویت‌شان بسیار طولانی بود، پایلز سابق گذاشته بود که به عنوان شهید تأیید شدند. پنجشنبه که بیاید، مراسم سالگرد خانواده موسوی است.

سخت‌گذشت، خیلی سخت

آفتاب در میان آسمان دوم تیرماه بود که زندان اوین موشک خورد و جان «لیلا جعفرزاده» را گرفت؛ لیلا زن ۳۵ساله‌ای بود که همراه پدرش برای آزادکردن همسرش به زندان رفته بود. به پدر گفت تو ماشینت را پارک کن و دنبالم بیا. خودش به سمت دادسرای زندان رفت و دیگر نرگشت. پدر آن سوی خیابان بود. به سمت دخترش دوید اما آتری پیدا نکرد. وقتی برگشت سربازان را دید که در آتش می‌سوزند. لیلا دختر دوساله‌ای دارد به نام لیلا. وقتی رفت، یک سال داشت و حالا صدایش از پشت تلفن می‌آید که از مادر بزرگش می‌خواهد عکس مامان لیلا را نشاناش دهد.

پدر از زندان آزاد شد، چهار میلیارد تومان پولی که همسرش با فروش طلا و قرض‌گرفتن از این و آن گرفت به طلبکاران داد و رفت دنبال زندگی‌اش. نه پول را به خانواده لیلا برگرداند و نه سرپرستی دخترش را بر عهده گرفت. مادر لیلا زن بزرگرفی نیست، نمی‌تواند احساساتش را به زبان آورد. اما صدایش غم دارد: «ما جمع کرده و به شهرستان رفته بودیم. دخترم اما دنبال کارهای آزادکردن همسرش بود که به‌خاطر بدهی در زندان بود. سه روز پشت سر هم برای کارهای اداری به اوین می‌رفت و روز آخر پدرش همراهش بود که این اتفاق افتاد». پیکر لیلا دو ترکش خورده بود: «طلبکاران حساب دخترم را خالی کردند. یک هزار تومان برایمان نگذاشتند. حالا ما مانده‌ایم با چهار میلیارد تومان بدهی- چندین بار دادگاه رفتم و گفتم اقدامی برای بازگرداندن پولمان بکنند اما کسی جوابی نداد». لیلا دختر لیلا آن روز که مادرش را از دست داد یک سال و دو روزش بود و روزهای کم‌به تولد دوسالگی‌اش مانده. نیلا حاصل زندگی هشت‌ساله پدر و مادرش است.

ک نیلا متوجه نبود مادرش است؟

مدمام مامان مامان می‌کند. خیلی وقت‌ها کوشی موبایلم را می‌گیرد و دنبال عکس مادرش می‌گردد. هرکس تلفن می‌کند می‌گوید بهش بگو مامانم را بیاور.

ک این یک سال چطور به شما گذشت؟

خیلی سخت، خیلی. پدرش خیلی ما را اذیت کرد. بچه کنارش آرام نمی‌گیرد. از یک طرف داغ دخترم است، از یک طرف پولی که باید به مردم پس بدیم و طرف دیگر دخترکی که بی‌مادر بزرگ می‌شود. لیلا یکی از چهار فرزند خانواده است. حالا رفته و دخترش را جای خود به خانواده برگردانده است. مادر لیلا پولی را که بنیاد شهید داده خرج نوازش می‌کند و حالا دنبال یک وام از بنیاد است تا بتواند برای دخترش مراسم سالگرد بگیرد: «وام صد میلیون تومانی با ۲۳ درصد سود می‌خواهم بگیرم. پول نداریم مراسم بگیریم».

یک قیر برای مادر و فرزند

روزنامه «شرق» گزارش جان‌باختن «زهرا عبادی» و «مهرداد»، پسرش را سال گذشته اوایل تیرماه بعد از آتش‌پس منتشر کرد. پیکر مادر و پسر خردسالش چندین روز بعد از موشکیاران پیدا شد و داغی شد بر تن خانواده عبادی و همسرش. همسر در این یک سال گوشگیر شده؛ با کسی حرف نمی‌زند و حوصله هیچ‌کس را ندارد. معصومه عربی، دخترخاله و همسر برادر زهرا عبادی است. دقایقی قبل از انفجار دوم تیرماه اوین، با زهرا حرف زده بود. زهرا مددکار زندان اوین بود و آن روز رفته بود تا بتواند از مدیرش مرخصی بگیرد. مهرداد را هم با خود برده بود تا آنها ببینند فرزند خردسالی دارد و جایی ندارد او را نگه دارد و با مرخصی‌اش موافقت کنند. دخترخاله با او تماس گرفت و گفت شب به خانه بیاید و مهرداد را بگذارد پیش آنها. زهرا هم پذیرفته بود، اما گویی را که قطع کرد، همه چیز تمام شد. آنها تمام بیمارستان‌ها را برای پیداکردن بیکرها زیر پا گذاشتند، اما در نهایت آنها را زیر آوارها پیدا کردند: «بیکر زهرا و مهرداد چند روز بعد پیدا شد. بدنشان سالم بود، فقط از ناحیه چشم آسیب دیده بودند». زهرا عبادی وقتی جان باخت ۵۲ساله بود و پسرش مهرداد چند ماه بعدش باید به پیش‌دستانی می‌رفت. مادر هشت سال پیش ازدواج کرده بود و بارداری سختی داشت.

ک همسر زهرا چطور است؟

خیلی حال بدی دارد. ما فقط می‌گوییم خدا به فریادش برسد. زندگی خیلی خوبی داشتند، اما یک‌شنبه همه چیز تمام شد. هنوز در شوک است و حتی نمی‌خواهد با کسی رفت‌وآمد داشته باشد.



لیلا جعفرزاده



مرضیه عسکری و دختر سه ساله‌اش زهرا



مادر: فاطمه موسوی



دختر: حبیبه موسوی

بازماندگان حملات خرداد ۱۴۰۴ در گفت‌وگوبا «شرق» از یک سال زندگی بافقدان، دلتنگی و رنج می‌گویند

سالگرد نبودن

آنها پاییز وزمستان خوبی نداشتند؛ تماشش در سوگ گذشت و برادر که همسر خانم عربی است، مدام گریه می‌کند. زهرا یک خواهر بزرگتر از خود داشت که دو سال پیش جان باخت و از همان موقع تبدیل به همدم مادرش که آزارمیز دارد شد. مادرش از میان همه فقط زهرا را می‌شناسد و وقتی دخترش را از دست داد، نفهمید چه شده. از آن وقت مدام به عکس‌هایش نگاه می‌کند و گلابه می‌کند چرا به دیدنش نمی‌رود و چرا بجاش را نمی‌آورد: «مادرش همیشه می‌گوید چرا زهرا به من سر نمی‌زند و ما نمی‌دانیم چه جوابی بدهیم».

ک موشکیاران جنگ اخیر، چقدر شما را به هم ریخت؟

خیلی برایمان سخت بود. من که دارو مصرف می‌کنم. همسرم گریه می‌کند و حالمان واقعا بد است. همسرم مرتب می‌گفت ما می‌فهمیم حال خانواده‌هایی که عزیزشان زیرآوار است چیست. حتی پسرم می‌گفت برای کمک به آواربرداری و بیرون آوردن پیکرها آماده است. این جمعه که بیاید، قرار است مراسم سالگرد بگیرند. زهرا و مهرداد را در یک قبرستان در محله یافت‌آباد که نزدیک خانه‌شان است به خاک سپرده‌اند. مهرداد و زهرا یک مزار دارند.

رو به آسمان کردم و گفتم آنها را برگردان

بیست‌وسوم خرداد به سراغ پدر فاطمه رفته بودند. موشک درست به طبقه سوم بلوک ۱۲ شهرک شهید چمران اصابت کرد و همراه با آن، ۱۴ طبقه ساختمان فرو ریخت. منصور عسکری فیزیک‌دان هسته‌ای بود، اما بامداد ۲۳ خرداد، خودش، همسرش، دخترش و نوازش شهید شدند. مرضیه عسکری پزشک بود و آن شب همراه دختر سه‌ساله‌اش، زهرا در خانه پدری به سر می‌برد. قرار بود «فاطمه»، دیگر خواهر خانواده، همراه با پسرش هم در خانه پدری بمانند که در نهایت به خانه خودش برمی‌گردد. فاطمه بیدار بود که صدا را شنید. ایل‌طور کرد رمدوبرق است، اما کمی که گذشت از شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های خبری فهمید موشکیاران است و درست هم به شهرک چمران خورده. به همسر مرضیه تلفن کرد، او در خانه بود و همه با هم به سمت شهرک شهید چمران رفتند.

ک آن شب چه حالی داشتید؟

اول به مادرم زنگ زدم، در دسترس نبود. بعد به پدرم و خواهرم. آنها هم در دسترس نبودند و در نهایت با همسر خواهرم به سمت خانه‌شان رفتیم. کل بلوک‌شان فرو ریخته بود. طبقات اول تا ششم آوار بود و هفت تا ۱۴ آتش گرفته بود. فاطمه آرزو می‌کرد پدری بماند که در نهایت با آنها را به او برگرداند؛ خواست‌ای که به من تمام خانواده‌ام را از دست داد.

ک همسر خواهرتان چطور است؟

خیلی حال بدی دارد و مدام می‌گوید حالم بد است. به‌شدت به هم ریخته و شرایط خوبی ندارد. مدام دلنگ می‌شود. فاطمه تمام آن پنج روزی که به دنبال پیکر عزیزانش بود، رو به آسمان کرده و از خدا خواسته تا آنها را به او برگرداند؛ خواست‌ای که به گفته خودش منطقی نبود اما دنبال معجزه بود: «بیکر مادرم هیچ‌وقت پیدا نشد. از پدرم هم تکه‌های کمی پیدا کردند. فقط خواهر و خواهرزاده‌ام پیدا شدند که قابل شناسایی نبودند. زهرا، خواهرزاده‌ام، در آخرین روز آواربرداری برای پیداکردن اجساد پیدا شد». زهرا سی‌سه‌ساله و مرضیه ۴۱ساله را در قبرستانی در گرگان به خاک سپرده‌اند؛ در شهر همسرش. آنها را کنار هم در مزار قرار دادند.

ک جنگ اخیر چقدر شما را به هم ریخت؟

من در جنگ قبلی اصلا متوجه موشکیاران نبودم. تمام روزها روی آوارها دنبال پیکرها و وسایل خانواده‌ام می‌گشتم. اصلا نفهمیدم کجا بیامان می‌شد. وقتی جنگ بعدی رخ داد، تازه متوجه صداها شدم. او آخرین بار، سه‌شنبه‌شب بر سر آوار خانه پدری‌اش بود: «برایشان یادبود گرفته بودند، اما خودمان امروز که بیست‌وسوم خرداد است، در امامزاده صالح مراسم داریم».

ک در این مدت به خانه پدری سر می‌زدی؟

بله خیلی. من تا نیم اسفند که جنگ دوباره شروع شد، مدام بالای سر آوارها بودم. پدرم دست‌نوشته‌های زیادی داشت و شعرهایش را در دفتری می‌نوشت. دنبال آنها بودم، اما هیچ چیز پیدا نکردم جز لباس‌ها و وسایل شخصی. فاطمه در این مدت بارها به اشتباه سر از شهرک شهید چمران درآورد است؛ در مسیر دیگری بوده، اما خودش را در محله خانه پدری دیده است.

برای بسیاری از آنها، تقویم یک سال جلورفته است. اما بخشی از زندگی‌شان هنوز در همان خیابان‌ها، کنار همان آوارها و پشت همان شماره‌های خاموش تلفن جا مانده است. یک سال بعد، درآورد است؛ در مسیر دیگری بوده، اما خودش را در محله خانه پدری دیده است.

برای بسیاری از آنها، تقویم یک سال جلورفته است. اما بخشی از زندگی‌شان هنوز در همان خیابان‌ها، کنار همان آوارها و پشت همان شماره‌های خاموش تلفن جا مانده است. یک سال بعد، درآورد است؛ در مسیر دیگری بوده، اما خودش را در محله خانه پدری دیده است.

خبرهای روز

۱۲هزار کودک کار

تحت پوشش بهزیستی

رئیس مرکز اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی با اعلام اینکه بیش از ۹ هزار کودک دارای پرونده فعال در مراکز روزانه و بیش از سه هزار کودک در مراکز نگهداری موقت تحت پوشش هستند، گفت: «کمک نقدی مستقیم به کودکان کار نته‌تها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه به تداوم چرخه کار کودک دامن می‌زند». سلمان حسینی با تشریح آخرین وضعیت کودکان کار و خیابان تحت پوشش خدمات بهزیستی افزود: «در حال حاضر تعداد کودکان دارای پرونده فعال در مراکز روزانه بیش از ۹ هزار کودک و تعداد کودکان دارای پرونده فعال در مراکز نگهداری موقت بیش از سه هزار کودک است». او درباره گروه سنی این کودکان گفت: «تجربه میدانی ما نشان می‌دهد عمده کودکان کار و خیابان در سنین مدرسه، یعنی هفت تا ۱۵ سال قرار دارند؛ دوره‌ای که باید صرف تحصیل و رشد سالم شود اما متأسفانه درگیر کار و آسیب‌های ناشی از آن می‌شوند». رئیس مرکز فوریت‌های اجتماعی و اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اشاره به فعالیت مراکز تخصصی حمایت از کودکان کار و خیابان افزود: «سازمان بهزیستی از سال ۱۳۷۸ به صورت تخصصی وارد این حوزه شده است و در حال حاضر با مشارکت فعال بخش غیردولتی و مؤسسات خیریه متخصص، ۹۰ مرکز ساماندهی و حمایت از کودکان کار و خیابان در سراسر کشور فعالیت می‌کند». حسینی ادامه داد: «از این تعداد، ۵۶ مرکز حمایتی آموزشی روزانه، ۱۷ مرکز شبانه‌روزی دولتی و ۱۷ مرکز شبانه‌روزی غیردولتی هستند».

آغازپدیده «ال‌نینو»

ایستا: کارشناسان اعلام کردند پدیده ال‌نینو، الگوی طبیعی آب‌وهوایی در اقیانوس آرام که باعث افزایش دمای جهانی می‌شود، رسماً آغاز شده است. اداره ملی اقیانوسی و جوی آمریکا (NOAA) اعلام کرد شرایط ال‌نینو اکنون در بخش گرمسیری اقیانوس آرام شکل گرفته و دمای سطح آب دریا در ماه‌های اخیر به‌طور درخرو توجهی افزایش یافته است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند این دوره ممکن است به یک «آر‌ال‌نینو» تبدیل شود و حتی در میان قوی‌ترین نمونه‌های ثبت‌شده قرار گیرد. این پدیده که بر روند گرمایش ناشی از فعالیت‌ات انسانی در دهه‌های گذشته افزود می‌شود، می‌تواند موجب ثبت یک سال با رکورد جدید گرما شود؛ اتفاقی که به احتمال زیاد در سال ۲۰۲۷ رخ خواهد داد. همچنین پیامدهای آن بر الگوهای آب‌وهوایی، تأمین مواد غذایی و اقتصاد کشورها ممکن است مدت‌ها ادامه داشته باشد. اعلام رسمی این موضوع از سوی اداره ملی اقیانوسی و جوی آمریکا چندان غافلگیرکننده نبود؛ زیرا کارشناسان از پیش انتظار آغاز این دوره گرم را داشتند. این اتفاق پس از پایان یافتن پدیده «ل‌انینا»، الگوی خنک‌تر و موسوم به «خواهر ال‌نینو» در اوایل سال جاری میلادی رخ داده است. به گزارش بی‌بی‌سی، دمای سطح آب در بخش مرکزی و گرمسیری اقیانوس آرام اکنون از آستانه نیم‌درجه سانتی‌گراد بالاتر از میانگین عبور کرده است؛ معیاری که دانشمندان آمریکایی برای تعریف یک رویداد ال‌نینو از آن استفاده می‌کنند.

وضعیت مناسب دریاچه ارومیه

معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست گفت: «دریاچه ارومیه با چهار میلیارد مترمکعب آب در وضعیت مناسبی قرار دارد». احمدرضا لاهیجان‌زاده ادامه داد: «شرایط فعلی دریاچه ارومیه نشان‌دهنده اهمیت برنامه‌ریزی، مدیریت و همکاری دستگاه‌های مسئول در حفاظت از این زیست‌بوم ارزشمند است». او با اشاره به وضعیت تالاب‌های آذربایجان غربی افزود: «خوشبختانه تالاب‌های استان نیز در شرایط مطلوبی قرار دارند و این ظرفیت‌های طبیعی ارزشمند نقش مهمی در تنوع زیستی، توسعه گردشگری طبیعی و پایداری محیط زیست منطقه ایفا می‌کنند». معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست با دعوت از مردم سراسر کشور برای سفر به آذربایجان غربی گفت: «دریاچه ارومیه و تالاب‌های استان از جاذبه‌های طبیعی کم‌نظیر کشور هستند و از هم‌وطنان دعوت می‌کنیم با سفر به این استان، از زیبایی‌های طبیعی آن بازدید کرده و از نزدیک ظرفیت‌های ارزشمند محیط‌زیستی منطقه را مشاهده کنند».